



بررسی راه‌های شکرگزاری خداوند بر اساس آموزه‌های دینی

پدیدآورنده: الهام سرمعلی‌زاده^۱

۱. طلبه سطح دو حوزه علمیه حضرت معصومه سلام الله علیها رودبار.

چکیده

شکر، تشکر از آفریدگار منانی است که ما را خلق کرد و انسان‌ها را ا شرف مخلوقات قرار داد. همچنین پیامبران گرانقدر را برای راهنمایی و هدایت بشریت و نعمت‌های مادی و معنوی فراوانی را برایمان قرار داد. شکرگزاری در برابر نعمت‌های بیکران و مستمر الهی که پیوسته برایمان نازل می‌شود ضرورتی است که شرط بندگی‌مان در برابر خالق هستی بیان می‌کند.

هدف از این مقاله این است که ما غافل از نعمت‌های خداوند نباشیم و بدانیم که باید در برابر آفریدگار از وجودمان استفاده کرده و شکرگزار باشیم و راه سعادت و سلامت را در پیش گیریم. از جمله راه‌های شکرگزاری خداوند می‌توان به روزه که پیامبران به آن سفارش بسیار داشتند، نماز که بهترین وسیله تقرب به سوی آفریدگار و سجده شکر در پیشگاه آن خالق مهربان که بالاترین جایگاه شکر در مقابل نعمت‌های خداوند می‌باشد را بیان کرد.

جمع آوری این مقاله بر اساس اسناد کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: سعادت، شکر، نماز، نعمت.

مقدمه

خدا مهربانتر و بزرگوarter از آن است که شما را به خاطر عدم توانایی بر شکر نعمت هایش مؤاخذه یا مجازات کند، همین قدر که بدانید سر تا پای شما غرق نعمت او ست و از ادای حق شکرش عاجزید و عذر تقصیر به پیشگاهش برید، نهایت شکر او را انجام داده اید. ولی اینها همه مانع از آن نیست که: ما به مقدار توانایی به احصای نعمت هایش نپردازیم؛ چرا که این توجه، هم درجه معرفت و جهان بینی و جهان شناسی توحید ما را بالا می برد و هم شعله عشق خدا را در اعماق قلب ما فروزانتر می کند و هم حس شکرگزاری را در ما تحریک می نماید.

در این مقاله پاسخ گوی این هستیم که راههای شکرگزاری خدا چیست؟ و جایگاه شکر در زندگی کجاست؟ و آیا شکر نعمت آثاری در پی دارد؟

اهمیت و ضرورت این تحقیق بر این بوده است که در زندگی ما از سان ها بی شتر نا شکری رواج یافته و از نعمت های خداوند غافل شده و شکر او را به جای نمی آوریم.

در کتاب های دینی بسیاری در مورد شکر و راههای آن بحث شده اما بی شترین را هی که برای شکر بیان شده نماز و سجده شکر است به همین دلیل در این تحقیق به راه های دیدگری نیز اشاره شده است.

مفهوم شکر

شکر در لغت «به معنای سپاس داشتن، ثنا گفتن خدا، پاداش دادن خدا بنده را و حق شناسی می‌باشد»^۱

«ثناگویی در مقابل نعمت، شکر اعتراف بنعمت است توام با نوعی تعظیم. شکر فقط در مقابل نعمت و بذل است»^۲

شکر به معنای شناخت نعمت و سپاس‌گزاری از نعمت دهنده می‌باشد.

شکر این است که فرد با زبان از نعمت دهنده سپاس‌گزاری کند و خود را وقف اطاعت از او کرده و از دستوره‌های او سرپیچی نکند.^۳

شکر در اصطلاح به معنای آن است که انسان نسبت به نعمت و نعمت دهنده را بداند و از اینکه مشمول نعمت اوست شادمان شود و به مقتضای این شادمانی عمل کند. انسان نعمت را از این جهت مطلوب می‌داند که وسیله‌ای برای نزدیکی به نعمت دهنده است.^۴

جایگاه شکر

امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «لَوْ كُنْتُمْ تَتَوَعَّدُونَ اللَّهَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ لَكَانَ يَجِبُ أَلَّا يُعْصَى شُكْرًا لِنِعْمِهِ؛ اگر خدا بر گناهان وعده عذاب هم نمی‌داد، لازم بود به خاطر سپاس‌گزاری از نعمت‌هایش نافرمانی نشود»^۵

خداوند در برابر نعمت‌هایی که به ما می‌بخشد، نیازی به شکر ما ندارد و اگر دستور به شکرگزاری داده آن هم موجب نعمت دیگری بر ما و یک مکتب عالی تربیتی است.^۶

۱. سیاح و دیگران، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ج ۱، ص ۹۸۶.

۲. قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۶۲.

۳. داودی، اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، ص ۸۵.

۴. جباران، درسنامه علم اخلاق، ج ۲، ص ۲۲۶.

۵. دشتی، نهج البلاغه، ج ۲۹۰، ص ۵۰۱.

۶. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۲۳.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «أَحْمَدُهُ شُكْرًا لِإِنْعَامِهِ وَأَسْتَعِينُهُ عَلَى وَطَائِفِ حُقُوقِهِ، عَزِيزَ الْجُنْدِ، عَظِيمَ الْمَجْدِ؛ خدا را در برابر نعمت‌هایش شکرگزارم، و بر انجام حقوق الهی از او یاری می‌طلبم، پروردگاری که سپاهش نیرومند، و مقام او بزرگ است.^۱

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ به راستی ما راه (حق) را به او نمایان‌دیم، خواه شاکر (و پذیرا) باشد یا ناسپاس.»^۲

شکر به دو صورت کلی

۱. شکر تکوینی

آن است که یک موجود از مواهبی که در اختیار دارد، برای نمو و رشدش استفاده کند. فی‌المثل: باغبان می‌بیند در فلان قسمت باغ درختان به خوبی رشد و نمو می‌کنند پس تمام همتش را برای تربیت آن باغ می‌گذارد. پس برای مراقبت از آن قسمت بیشتر تلاش می‌کند.^۳

۲. شکر تشریعی

در شکر تشریعی همین حالت نیز وجود دارد با این تفاوت که درخت از خود اختیار ندارد و صرفاً تسلیم قوانین تکوینی است اما انسان با استفاده از نیروی اراده و اختیار و تعلیم و تربیت تشریعی می‌تواند آگاهانه در این راه قدم بگذارد.^۴

شکر تشریعی آن است که انسان در مقام شکرگذاری برآید و با قلب و زبان و اعمال از پروردگار خود سپاس‌گزاری کند. در واقع شکر تشریعی مخصوص انسان است ولی شکر تکوینی علاوه بر انسان بر حیوانات و نباتات دلالت دارد.

۱. دشتی، نهج البلاغه، ج ۱۹۰، ص ۲۶۵.

۲. انسان: ۳.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۲۵.

۴. همان، ص ۳۲۶.

۸. انفاق کردن بخشی از اموال در راه خدا

فاصله طبقاتی و رسیدن انسان‌ها به سعادت و تکامل است و یکی از راه‌های شکرگزاری از خداوند در مقابل نعمت‌های بسیار اوست.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمت‌های پاکیزه اموالی که به دست آورده‌اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان)، انفاق کنید! و برای انفاق، به سراغ قسمت‌های ناپاک نروید در حالی که خود شما، (به هنگام پذیرش اموال)، حاضر نیستید آنها را بپذیرید؛ مگر از روی اغماض و کراهت! و بدانید خداوند، بی‌نیاز و شایسته ستایش است.^۱»

۹. تعلیم و عمل

آدمی در آغاز ولادتش فاقد علم، ادراک، تربیت و کمال است و به تدریج با آموزه‌های مستقیم و غیر مستقیم، استعدادهای نهفته او به فعلیت می‌رسد و رشد می‌یابد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما گوش و چشمها و دل‌ها قرار داد، شاید شما شکر کنید.^۲»

^۱. بقره: ۲۶۷.

^۲. نحل: ۷۸.

آثار شکرگزاری و توجه به نعمت‌ها

۱. افزایش نعمت‌ها

اولین اثر شکرگزاری این است که باعث افزایش نعمت‌ها می‌شود. به عبارت دیگر شکر ذکر خدا در عمل و در مواجهه با نعمت‌های اوست که عامل گسترش اخلاق و اطاعت و عبودیت می‌شود. بنابراین شکر عملی به کارگیری صحیح نعمات الهی است که مایه افزایش آن‌ها می‌شود.^۱

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ و باز بخاطر آرید وقتی که خدا اعلام فرمود که شما بندگان اگر شکر نعمت به جای آرید بر نعمت شما می‌افزایم و اگر کفران کنید عذاب من بسیار سخت است.»^۲

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعًا لَمْ يُحْرَمْ أَرْبَعًا مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الْإِجَابَةَ وَ مَنْ أُعْطِيَ التَّوْبَةَ لَمْ يُحْرَمِ الْقَبُولَ وَ مَنْ أُعْطِيَ الْإِسْتِغْفَارَ لَمْ يُحْرَمِ الْمَغْفِرَةَ وَ مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةَ؛ کسی را که چهار چیز دادند، از چهار چیز محروم نباشد: با دعا از اجابت، با توبه از پذیرفته شدن، با استغفار از آمرزش گناه، با شکرگزاری از فزونی نعمت‌ها.»^۳

۲. دوام نعمت

کفران نعمت ناسپاسی و ندانستن قدر آن‌ها و استفاده غلط از آن‌ها در طریق باطل موجب زوال نعمت و هدر رفت بیهوده آنان می‌گردد اما شکر نعمت و استفاده درست از آن نعمت‌ها باعث دوام نعمت می‌شود.

«شکر نعمت‌ها و سپاس‌گزاری از خدا یکی از مهم‌ترین وظایف انسان در مقابل پروردگار است. نعمت‌ها اغلب به صورت تدریجی به انسان داده می‌شود و راه تداوم آن شکرگزاری از

۱. زینلخانی، پیوند با خدا (رمز استواری و رستگاری)، ص ۲۴۸.

۲. ابراهیم: ۷.

۳. دشتی، نهج البلاغه، ج ۱۳۵، ص ۴۶۹.

صاحب نعمت‌هاست و اگر در شروع نعمتی شکر الهی با آن نعمت همراه شود ادا می‌یافتن آن نعمت تضمین شده است.^۱»

امام علی علیه السلام می‌فرماید: « إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النِّعَمِ فَلَا تُنْفِرُوا أَقْصَاهَا بِقَلَّةِ الشُّكْرِ؛ چون نشانه‌های نعمت پروردگار آشکار شد، با ناسپاسی نعمت‌ها را از خود دور نسازید.^۲»

۳. رستگاری و سعادت

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: « فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ نعمت‌های خدا را به یاد آورید شاید رستگار شوید.^۳»

با یادآوری نعمت، حس شکرگزاری شما برانگیخته می‌شود در نتیجه در برابر فرمان خداوند تسلیم می‌شوید و رستگار می‌گردید.

۴. رفع عذاب و بلا

علت تمام مصیبت‌ها و بلاها کفران نعمت و انجام گناه است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: « مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا؛ خداوند چه غرضی دارد که شما را عذاب کند اگر لطف خدا را شکرگزاریید و به او ایمان آورید؟ خدا شکر نعمت از شما می‌پذیرد و عملش به صلاح خلق محیط است.^۴»

۱. نظری و دیگران، درسنامه نهج البلاغه، ج ۲ و ۱، ص ۲۴۴.

۲. دشتی، نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۴۴۵.

۳. اعراف: ۶۹.

۴. نساء، ۱۴۷.

نتیجه

آگاه باشیم در برابر همه نعمتهایی که خداوند به ما عنایت کرده باید شکرگزار باشیم چه نعمت مادی و چه معنوی. هرآنچه را که مستقیم به تک تک آفریده ها بخشیده و یا اینکه به واسطه دیگران تقدیم نموده، آن قادر هستی که بین هیچکدام از آفریده های خویش فرقی نداده، شکر کردن باعث می شود که نعمتها افزایش پیدا کند. پرستیم آن خالق هستی را که تهمی مخلوقاتش را مورد لطف و کرامت خویش قرار داده اگر ما راه تشر از خداوند را یاد بگیریم و بدانیم برای هر نعمتی چگونه باید سپاس گزار باشیم خود مان را بی نیاز از تمام مخلوقات می کنیم.

پیامبر گرامی اسلام می فرماید: در روز قیامت منادی ندا می کند که حمدکنندگان برخیزند پس طایفه ای بر می خیزند و لوایی از برای ایشان نصب می کنند و ایشان داخل بهشت می شوند. عرض کردند که کیستند حمدکنندگان فرمودند: کسانی که خدا را در همه حال شکر می کنند.

بدانیم که در هر حال و در هر موقعیت باید شکرگزار باشیم و از تمام نعمتها به خوبی و در راه رضای آفریدگار بی همتا نهایت استفاده را بنماییم که در ر ستاخیز م شمول این حدیث گرانقدر باشیم.

فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه، دشتی.

۱. جباران، محمدرضا، درسنامه اخلاق ۲، قم: مرکز نشر هاجر، دوازدهم، ۱۳۹۲ هـ ش.
۲. داودی، محمد، اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، قم: نشر معارف، چهارم، ۱۳۸۶ هـ ش.
۳. رحمتی شهرضا، محمد، چه بگوییم، قم: جوانان موفق، دوم، ۱۳۹۴ هـ ش.
۴. زینلخانی، عبدالله، پیوند با خدا، دانش پرور، دوم، ۱۳۸۶.
۵. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، اسلام، هشتم، ۱۳۸۷ هـ ش.
۶. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، پنجم، ۱۳۶۷ هـ ش.
۷. قمی، عباس، کلیات مفاتیح الجنان، آستان قدس رضوی، هیجدهم، ۱۳۸۲ هـ ش.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، سی و ششم، ۱۳۹۳ هـ ش.
۹. محدثی، جواد، درسنامه اخلاق، بین المللی نشر مصطفی، اول، ۱۳۹۰ هـ ش.
۱۰. —، نعمت و سپاس، آستان قدس رضوی، چهارم، ۱۳۹۱ هـ ش.
۱۱. نظری، محمد و دیگران، درسنامه نهج البلاغه، بین المللی نشر آفاق، اول، ۳۹۶ هـ ش.
۱۲. نراقی، احمد، معراج السعاده، قائم آل محمد، چهارم، ۱۳۸۶ هـ ش.